

## بررسی تصویر زن در سه اثر داستانی «کلیله و دمنه نصرالله منشی»، «سمک عیار» و «داراب نامه»<sup>۱</sup>

علی محمدحسینی گر<sup>۱</sup>، نادر محمدحسینی گر<sup>۲</sup>، انیسه محمدحسینی گر<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> فارغ التحصیل مقطع کارشناسی ارشد رشته فرهنگ و زبان‌های باستانی ایران، دانشگاه شهید بهشتی

<sup>۲</sup> فارغ التحصیل مقطع کارشناسی ارشد رشته فرهنگ و زبان‌های باستانی ایران، دانشگاه تهران

<sup>۳</sup> فارغ التحصیل مقطع کاردانی رشته باستان‌شناسی، دانشگاه جیرفت

### چکیده

در ادبیات فارسی به دلیل دیدگاه مردسالارانه، به جنبه‌های منفی زنان توجه شده است، حتی این بحث به آغاز آفرینش می‌رسد که حوا باعث هبوط آدم شد. اما در این پژوهش سعی شده است تصویر زن در سه اثر داستانی «کلیله و دمنه»؛ ترجمه نصرالله منشی، «سمک عیار» و «داراب‌نامه» به طور دقیق مورد بررسی قرار بگیرد. هدف این پژوهش که به شیوه کتابخانه‌ای تهیه شده است پی بردن به جایگاه و نقش زن در این آثار است که نمونه‌ای از ادبیات داستانی می‌باشند. به طور کلی در کلیله و دمنه ترجمه نصرالله منشی، دیدی مردگرایانه و گاهاً با لحن تند درباره زن وجود دارد و گاهی نیز در حکایت‌ها و باب‌هایی از کلیله و دمنه با طعنه زنان را تحقیر کرده است ولی در داستان‌های عامیانه «سمک عیار» و «داراب‌نامه»، زن نقش و حضوری مثبت و تأثیرگذار دارد و در این دو اثر دیدگاهی واقع‌بینانه نسبت به زن وجود دارد و زنان در این داستان‌ها نقشی پررنگ و کارآمد دارند؛ به گونه‌ای که می‌توان حضور زنان در این داستان‌ها را دلیل پویا بودن داستان‌ها و علت مهم درگیری‌ها و نزاع‌ها در داستان‌ها دانست.

**واژه‌های کلیدی:** زن، ادبیات داستانی، کلیله و دمنه، سمک عیار، داراب‌نامه.

<sup>۱</sup> داوری و گزینش توسط کنگره بین المللی زبان و ادبیات مشهد

## ۱- مقدمه

زنان در ادبیات داستانی نقشی فعال و پویا دارند و اغلب زنانی باهنر و کاردارانند و شاید یکی از دلایل حضور زنان در داستان‌های عامیانه همین پویایی آنها باشد. نمونه‌هایی از این داستان‌های عامیانه «کلیله و دمنه»، «سمک عیار<sup>۲</sup>» و «داراب‌نامه» هستند. چنانکه مشخص است، «کلیله و دمنه» از زبان سانسکریت به پهلوی ترجمه شده و بعدها از پهلوی به عربی و سپس توسط نصرالله منشی از عربی به فارسی دری برگردانده شد و داستان «سمک عیار» در قرن ۶ ه.ق. توسط فرامرز بن عبدالله کاتب ارجانی تألیف شده است و به احتمال زیاد از داستان‌های کهن ایرانی الهام گرفته است. «داراب‌نامه» نیز به احتمال زیاد در قرن ۶ ه.ق. به رشتهٔ تحریر در آمده است. بهترین جایی که می‌توان حضور سازنده و اثرگذار زن را دید، ادبیات عامیانه است، چون داستان‌های عامیانه بیانگر زندگی اجتماعی تمام افراد یک جامعه است و با بررسی آن و تأمل و تدبر در اعماق داستان‌ها، ماجراها و شخصیت‌های آنان، می‌توان اوضاع اجتماعی زمانهٔ راوی داستان را لمس نمود. بحث پیرامون مقام زن و ارزش اجتماعی وی نزد شاعران و ادیبان، دانشمندان و متفکران، از ادوار گذشته وجود داشته است. مثلاً توصیفاتى که حکیم ابوالقاسم فردوسی دربارهٔ زن آورده است بیانگر دیدگاه واقع‌بینانهٔ او نسبت به زنان است، از نظر وی زنان دارای دو چهرهٔ اهورایی و اهریمنی‌اند. نظری به متون و ادبیات مربوط به زنان در سال‌های اخیر نشانگر این امر است که بیشترین علاقه در این زمینه مربوط به حوزه‌هایی مثل تاریخ و ادبیات، اسطوره‌شناسی و زبان‌شناسی می‌باشد. از جمله کارها و پژوهش‌هایی که در سال‌های گذشته انجام شده است می‌توان به پژوهشی که محمدعلی جمالزاده تحت عنوان «تصویر زن در فرهنگ و تمدن ایران» در سال ۱۳۵۷ ه.ش. به نگارش درآورده است و در آن کوشیده است تا به روش‌های گوناگون ثابت کند که فرهنگ ایرانی از پتانسیل بالقوه‌ای برای پیدایش نگاهی نو به زنان برخوردار است و به کتابی که خانم بنفشه حجازی با نام «زن به ظن تاریخ» که در آن از زنانی چون آتوسا دختر کوروش کبیر و مادر خشایارشا در دورهٔ هخامنشیان و از زنانی چون پوران‌دخت و آزر می‌دخت در دوران ساسانیان و نقش مؤثر آنها در سیاست و قدرت سخن به میان آورده است و به کتاب «زن در فرهنگ و آیین آشوری» اثر ویلیام پیرویان که در آن به جایگاه و منزلت والای زن در خانواده و اجتماعات آشوری پرداخته است و به کتاب «زن در آیین مانوی» تألیف مژگان صادقی و... اشاره کرد. مقالاتی مانند «تصویر و جایگاه زن در داستان‌های عامیانهٔ غرب» نوشتهٔ خانم فرشته ولی‌مراد و «نقش اجتماعی زن در ایران باستان و میانه» نوشتهٔ ابوالقاسم اسماعیل‌پور و... نیز جزو سابقهٔ این پژوهش به شمار می‌روند. هدف این پژوهش پی بردن به جایگاه و نقش زن در ادبیات داستانی (که همواره نمایندهٔ اوضاع اجتماعی زمان تألیف این آثار نیز می‌باشند)، از طریق بررسی و مقایسهٔ تصویر زن در این سه اثر داستانی می‌باشد. این پژوهش بر این فرض استوار است که زن در ادبیات داستانی علیرغم تمام غرض‌ورزی‌هایی که در مورد این جنس صورت می‌گرفته است دارای جایگاهی والا و حضوری ارزنده و مؤثر بوده است. حضور مادری فداکار و خواهری دلسوز و همچنین همسری وفادار و سیاست‌مداری مدبر و جنگاوری شجاع که لرزه بر اندام دشمنان می‌اندازند همگی گواهی عادل بر این مدعا می‌باشند. زنانی

<sup>۲</sup> - عیاران یا جوانمردان یا فتیان، طبقه‌ای از طبقات اجتماعی ایران بودند، متشکل از مردم چابک و هشیار از طبقهٔ عوام‌الناس که آداب و رسوم و تشکیلاتی خاص داشته‌اند.

چون: پوران‌دخت، مه‌پری، هما، چگل‌ماه، گردیه، مردان‌دخت، روزافزون و ابان‌دخت نمونه‌هایی از این زنان بزرگ در ادبیات داستانی هستند.

## ۲- روش تحقیق

این پژوهش به روش کتابخانه‌ای تهیه شده است و در آن برای بررسی نقش زن در ادبیات داستانی به سه نمونه از آثار داستانی؛ «کلیده‌ودمنه ترجمه نصرالله منشی»، «سمک عیار» و «داراب‌نامه» پرداخته شده است. در بررسی کلیده‌ودمنه ترجمه نصرالله منشی، برخی از حکایات و جملات آن با متن عربی کلیده‌ودمنه ابن مقفع مقایسه شده است. و در بررسی سمک عیار و داراب‌نامه، به جایگاه‌های متفاوت زن پرداخته شده است و نمونه‌های آن ذکر شده است و در آخر هر سه متن مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند و دیدگاهی که نسبت به زن داشته‌اند بیان گردیده است.

## ۳- یافته‌ها

- وجود شعر در متن کلیده‌ودمنه فقط در ترجمه نصرالله منشی مشاهده می‌شود. علاوه بر آن در برخی موارد نصرالله منشی خود برخی از جملات را به متن عربی کلیده‌ودمنه افزوده است.
- تفکر و دید نصرالله منشی نسبت به زن، مردسالارانه بوده و در برخی از موارد وی با زبان طعنه زن را مورد تحقیر قرار داده است.
- در داستان سمک عیار، از زنان اندیشمند و بارآده‌ای سخن به میان آمده است که مردان، هم به آنها و رأی و نظرشان احترام می‌گذارند و هم آنها را اهریمنی نمی‌دانند و گاه حتی مردان عقل و هوش آنها را از خود برتر می‌دانند.
- در داراب‌نامه، زنان علاوه بر اینکه صاحب اندیشه هستند و نظر می‌دهند، مردان را به خاطر کارهای نادرست ملامت کرده و به آنها اعتراض می‌کنند و در واقع عامل اساسی نزاع و درگیری در داستان داراب‌نامه هستند.

## ۴- بحث و بررسی

در پژوهش حاضر کوشش شده است تا تصویری از نقش و جایگاه زن در ادبیات داستانی ارائه شود تا نقش مؤثر او در جامعه به خوبی نشان داده شود و کارایی او در جایگاه‌های مختلف؛ از فرمانروایی گرفته تا همسری فداکار و رزمنده ای دلاور و ... بیان شود. به طور کلی حضور زن در این داستان‌ها به واقعیت نزدیک است و در این نوع از ادبیات در اکثر مواقع تصویری واقع‌بینانه از زن ترسیم شده است و این نشانگر این موضوع است که در اسطوره‌های آفرینش و حتی در قصه‌های کهن زن جایگاهی ارزنده دارد و قدرت زنانگی او نیرویی زنده و ابدی به شمار می‌رفته و موجودی اندیشمند و کارا دانسته می‌شده است، نه موجودی کم‌خرد و اهریمنی، ولی در آثاری که به نوعی وابسته به دستگاه حکومت بوده‌اند ما شاهد رنگ باختن تصویر فعال و پویای زن و کم‌رنگ شدن نقش اجتماعی او هستیم که علت آن را می‌توان تفکر مردسالارانه حاکم دانست. از این رو شاید بتوان گفت تنها جایی که می‌توان تصویری واقعی و ملموس از زن و نقش و جایگاه او مشاهده نمود همین ادبیات داستانی است که برگرفته از داستان‌هایی است که در بین مردم رواج داشته و سینه به سینه نقل می‌شده‌اند و ارتباطی با دستگاه‌های حکومتی

نداشته‌اند. ما در این داستان‌ها شاهد نقش واقعی، پویا و پررنگ آنان در جنبه‌های گوناگون زندگی، از سیاست گرفته تا جنگاوری و اندیشه‌ورزی و .. هستیم.

چنانکه مشخص است، کلیله‌و‌دمنه از زبان سانسکریت به پهلوی و از پهلوی به عربی و سپس از عربی به فارسی دری توسط نصرالله منشی ترجمه شده است. کلیله‌و‌دمنه شامل داستان‌هایی از زبان حیوانات است که جنبه‌ی تعلیمی و آموزنده دارند. نصرالله منشی در ترجمه‌ی خود از متن عربی ابن‌مقفع از کلیله‌و‌دمنه در برخی موارد چهره‌ای مثبت و متعادل از زن ارائه داده است مثل: مادر شیر در باب «شیر و شغال» و در باب «گاو و شیر» و زن هیلار در باب «پادشاه و برهمنان» و حکایت زن مرزبان در باب «بازجست کار دمنه». اما وی در اکثر موارد زبان به طعن و تحقیر زن گشوده است و این در صورتی است که این حکایات در متن عربی کلیله‌و‌دمنه نیامده است: الف) در باب شیر و گاو: ۱- درباره‌ی حیلۀ زن بدکاره و کنیزکان بدکاره‌اش، ۲- درباره‌ی خیانت زن کفشگر و حیلۀ او و درباره‌ی حیلۀ زن حجام. ب) در باب بازجست کار دمنه: درباره‌ی رابطه‌ی نامشروع زن بازرگان با نقاش. پ) در باب بوف و زاغ: درباره‌ی رابطه‌ی نامشروع زن درودگر با همسایه<sup>۳</sup>. همچنین وی در برخی جاها نکات و جملاتی را خود به متن عربی اضافه نموده است مانند: از هوای زنان اعراض کلی کردن؛ تشبیه گریز فضیلت از فرد کاهل به گریز زن جوان از پیر ناتوان؛ ناپایداری عشق زنان؛ به جای ترجمه‌ی «و خیرالنساء الموافقه لبعلهما» به معنای «بهترین زنان آن است که با شوهر خود بسازد» وی جمله‌ی «صجرت محنت بر وی مستولی نگردد» را آورده است؛ تشبیه زبان زنان به مار افعی؛ بی‌وفایی زنان؛ مصاحبت با زنان رسوایی به بار می‌آورد؛ جمله‌ی «بازرگانی که زن نیکو و کودک گزیند و عمر در سفر گذارد، سعی وی ضایع گردد»<sup>۴</sup>. اضافه نمودن ابیاتی درباره‌ی مذمت زنان توسط نصرالله منشی در کلیله و دمنه، که مفهوم آنها درباره‌ی بی‌وفایی زنان، پیمان‌شکنی زنان، مکر و حیلۀ زنان، بداندیشی زنان و ... است<sup>۵</sup>. (منشی، ۱۳۷۱)

«سمک عیار» و «داراب‌نامه» احتمالاً در حدود قرن ۶ ه.ق. تألیف شده‌اند. موضوع سمک عیار، تلاش‌های خورشیدشاه و فرزندش فرخ‌روز و کمک‌های سمک عیار برای یافتن معشوقگان پدر و پسر است و گردآورنده‌ی آن فرامرزن‌عبدالله کاتب ارجانی است. موضوع داراب‌نامه نیز، زندگی داراب و معشوقه‌اش طمروسی و تسخیر عمان و جزایر یونان به وسیله‌ی داراب و همچنین شرح دل‌آوری‌های پوران‌دخت نوه‌ی پسری داراب در برابر اسکندر است و مؤلف آن نیز ابوطاهر محمدبن‌موسی طرسوسی است. در داستان‌های عامیانه‌ی سمک عیار و داراب‌نامه، زن حضوری گسترده دارد زیرا زنان این داستان‌ها جزو طبقات پایین جامعه هستند و در واقع روایت زندگی اجتماعی تمام جامعه می‌باشند و با کمی تأمل در آنها می‌توان به وضعیت اجتماعی جامعه‌ی آن دوره پی برد. مثلاً شاه و پهلوانان درباره‌ی تدبیر و کیاست دختر شاه در سمک عیار چنین گفته‌اند: «... عقل وی بیشتر از ما است.» (ارجانی، ۱۳۶۳) و در داراب‌نامه نیز پوران‌دخت اسکندر را به دلیل نداشتن تدبیر سرزنش می‌کند. (طرسوسی، ۱۳۴۶)

<sup>۲</sup> درباره‌ی حکایاتی که نصرالله منشی به متن کلیله‌و‌دمنه اضافه نموده است می‌توانید به صفحات ۷۴-۷۹، ۱۳۷ و ۲۲۱ مراجعه کنید که می‌بایست در صورت وجود آنها در متن عربی ابن‌مقفع در صفحات: ۳، ۱۹۰، ۱۹۲ و ۲۵۰ می‌آمد.

<sup>۴</sup> درباره‌ی جملاتی که نصرالله منشی به متن کلیله‌و‌دمنه اضافه نموده است می‌توانید به صفحات ۵۱، ۹۵، ۱۸۱، ۲۰۸ و ۲۲۹ مراجعه کنید که می‌بایست در صورت وجود آنها در متن عربی ابن‌مقفع در صفحات: ۱۵۷، ۲۰۶، ۲۸۹، ۳۱۱، ۳۲۶، ۳۳۷ و ۳۵۲ می‌آمد.

<sup>۵</sup> درباره‌ی ابیاتی که نصرالله منشی به متن کلیله‌و‌دمنه اضافه نموده است می‌توانید به صفحات ۹۱، ۱۲۰، ۲۴۸، ۲۹۵، ۴۰۰ و ۴۲۱ مراجعه کنید.

درباره داشتن حق انتخاب در ازدواج نیز در سمک عیار از زبان خورشیدشاه چنین آمده است: «من، جمله کارها بتوانم کردن، جز این کار که به رضای دختر موقوف است.» یا در جایی دیگر که سمک عیار به شاه می‌گوید: «ای شاه، شوهری، به دستوری زن باشد، تا از دختر باز پرسیم که را خواستگاری می‌کند.» (ارجانی، ۱۳۶۳)

علت اساسی پیوند حوادث و ماجراهای داستان در سمک عیار، زن و عشق به زن می‌باشد. در جایی چنین آمده است: چگل‌ماه که پادشاه جزیره زعفران و جنگاوری توانا است و در میدان نبرد با فرخ‌روز نبرد می‌کند آنها در میدان نبرد عاشق یکدیگر می‌شوند و چگل‌ماه به خاطر فرخ‌روز، دست از پادشاهی برمی‌دارد و در راه وصال سختی‌های زیادی را تحمل می‌کند (ارجانی، ۱۳۶۳). عشق در داراب‌نامه مانند عشق در سمک عیار بازاری گرم ندارد. در داراب‌نامه، عشق چاشنی داستان است و تکیه بیشتر آن بر پهلوانی داراب و پوران دخت است. در این داستان، دو عشق ناب، وجود دارد: یکی عشق میان «داراب و طمروسیه» و عشق میان «وامق و عذرا» است همچنین در داراب‌نامه نیز درباره عشق هما به فرزندش داراب چنین آمده است که وقتی هما، پس از سال‌ها داراب را دربارگاه خود می‌بیند، مهری ناشناخته وجودش را پر می‌کند و... (طرسوسی، ۱۳۴۶)

درباره دلآوری زنان نیز در سمک عیار به رشادت‌های مردان دخت و در داراب‌نامه به جنگاوری‌های پوران دخت اشاره شده است. حتی مردان دخت شرط موافقت خود را با ازدواج با فرخ‌روز، بازنداشتن وی از حضور در میدان نبرد می‌داند. در جایی دیگر نیز پهلوانی در میدان جنگ در وصف دلآوری‌اش چنین می‌گوید: «رواست که میدان‌داری کند که پهلوان است و در مردانگی تمام». به طور کلی در داستان سمک عیار، مردان به قدرت و شجاعت زنان اعتماد دارند و در بسیاری از مواقع حتی فرماندهی لشکر را به آنان وا می‌گذارند. در جایی دیگر از داستان سمک عیار، خورشید شاه به پاس عیاری‌ها و خدمت‌های مؤثر روزافزون، وی را خواهر خود و فرخ‌روز، او را مادر خود می‌داند و حتی شاه و پهلوانان به خاطر حضور او در بارگاه، به احترامش برمی‌خیزند. (ارجانی، ۱۳۶۳) در داراب‌نامه نیز راوی داستان شکوه و عظمت ایران و ایرانی را در چهره پوران دخت (قهرمان اصلی داستان) به تصویر کشیده است. او دوستدار و وفادار به ایران، زیرک، دلیر و نیزه‌ران است. (طرسوسی، ۱۳۴۶) درباره داشتن هنرهای گوناگون زنان نیز در داستان سمک عیار مطالبی ذکر شده است؛ زنانی که در داستان سمک عیار حضور دارند دارای هنرهایی مثل شناکردن، پارو زدن، خواندن، نوشتن و آوازخوانی هستند. (ارجانی، ۱۳۶۳)

### نتیجه‌گیری

واقع‌بینانه‌ترین تصویر از زن و نقش و جایگاه او در متون، در ادبیات داستانی آمده است چون داستان‌های عامیانه، روایت زندگی اجتماعی تمام جامعه است، شاهد این مدعا مطالب گوناگونی است که درباره حضور گسترده و مفید زن در دو اثر داستانی «سمک عیار» و «داراب‌نامه» آمده است. البته در این میان استثنائاتی نیز وجود دارد، مانند ترجمه‌ای که نصرالله منشی از روی نسخه عربی کلیله‌ودمنه انجام داده است و غرض‌ورزی‌هایی که وی درباره زن داشته است به وضوح مشخص است و هر خواننده‌ای که نسخه ابن‌مقفع را خوانده باشد متوجه این امر خواهد شد. با توجه به مطالب بیان شده در این پژوهش چنین می‌توان نتیجه‌گیری نمود که حضور زن در این داستان‌ها به واقعیت نزدیک است و تصویری به نسبت واقع‌بینانه از چهره وی و حتی از اوضاع زمانه راوی نمایانده می‌شود.

برای اطلاع دقیق از اوضاع اجتماعی زن در یک دوره باید به متون و ادبیاتی که عامیانه هستند و در بین مردم سینه‌به‌سینه نقل می‌شده‌اند بیشتر توجه نمود زیرا ادبیات رسمی در هر زمانی تحت تأثیر دستگاه حکومت قرار می‌گیرد و دستگاه‌های حکومت در هر دوره‌ای نیز از تفکرات مردگرایانه و مردسالارانه تأثیر می‌پذیرند.

## منابع

۱. ابن‌مقفع، عبدالله. (۱۹۹۴). کلیله و دمنه، تصحیح محمدالمرصفی، مکتبه لبنان، ناشرون بیروت.
۲. اسماعیل‌پور، ابوالقاسم. (بی‌تا). نقش اجتماعی زن در ایران باستان و میانه، ایران شناخت، تهران، ص ۱۰۸-۱۲۱.
۳. الارجانی، فرامرزین خداداد ابن عبدالله الکاتب. (۱۳۶۳). سمک عیار (۵ جلد)، به تصحیح دکتر پرویز ناتل خانلری، تهران، آگاه.
۴. الطرسوسی، ابوطاهر محمد بن حسن بن علی بن موسی. (۱۳۴۶). داراب‌نامه (۲ جلد)، تصحیح دکتر ذبیح‌الله صفا، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۵. جمالزاده، محمدعلی. (۱۳۵۷). تصویر زن در فرهنگ و تمدن ایران، تهران، امیرکبیر.
۶. حجازی، بنفشه. (۱۳۷۶). زن به ظن تاریخ، تهران، نشر مرکز.
۷. منشی، نصرالله. (۱۳۷۱). کلیله و دمنه، تصحیح مجتبی مینوی، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۸. ولی‌مراد، فرشته. (۱۳۸۱). تصویر و جایگاه زن در داستان‌های عامیانه غرب، مجله ادبیات داستانی، ۴۳-۵۴، ۶۰.